

باغ پیامبران و خدایان زمین

جبران خلیل جبران

ترجمه خدیجه علیزاده

استاد رشاق

چاپ اول ۱۳۹۵

www.ketab.ir

سرشناسه : جبران، جبران خلیل، ۱۸۸۳ - ۱۹۳۱ م.
 عنوان قراردادی : حقیقه النبی، فارسی
 عنوان و نام پدیدآور : باغ پیامبران و خدایان زمین/ جبران خلیل جبران؛ ترجمه خدیجه علیزاده.
 مشخصات نشر : تهران: وشاق، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۸۷ ص.: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۵۱-۳۱-۰
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 موضوع : داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
 شناسه افروده : علیزاده، خدیجه، ۱۳۶۶ -، مترجم
 رده بندی کنگره : ۳۵۱۳PS ۱۳۹۵ ۱۷/۴۱۷ ب/
 رده بندی دیویی : ۵۳/۸۱۱
 شابک : ۴۵۰۵۸۸۱
 کتبشناسه ملی :

انتشارات وشاق

انقلاب خیابان دانشگاه کچه رسمی پلاک ۱۱۷-۰۳۳۵-۹۳۷۷۹۴

voshaghpub@gmail.com

باغ پیامبران و خدایان زمین

جبران خلیل جبران

ترجمه : خدیجه علیزاده

ناشر: وشاق

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۵

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۱-۴۱-۰

تیراژ : ۳۰۰

قیمت : ۳۰۰۰۰ ریال

مقدمه‌ی مترجم

این اثر برگردانی است از متن عربی «حدیقه النبی» که جبران خلیل جبران این اندیشمند فرزانه، آن را پس از کتاب ارزشمند «پیامبر» نگاشته است. جبران «پیامبر» معتقد است همه‌ی انسان‌ها دارای سرشتی پاک و ته‌دل و آلاش‌های دنیوی آنها را از اصل‌شان دور می‌سازد و آن چنان قدرت و خلوصشان را اندک می‌کند که اگر اراده کنند، می‌توانند به درجات رفیعی نائل شوند. او «باغ پیامبر» نیز از زبان مصطفی - آن برگزیده‌ی دوست داشتنی - که در رفیع‌ترین و بیای‌وی در «پیامبر» نیز هست سخن می‌گوید و پس از این که در «پیامبر» به انسانها چگونه عشق ورزیدن را می‌آموزد، در «باغ پیامبر» از عشت - سالک به طبیعت، هنر و چگونه زیستن سخن می‌گوید.

در «باغ پیامبر» مصطفی پس از حدتها و بی‌باری دیگر به وطن خویش باز می‌گردد تا مردم سرزمینش را سرور دهد و آتش و آنچه در این مدت آموخته است، آگاه سازد.

جبران که در «پیامبر» تحت تأثیر افکار نیچه قرار دارد، در این برهه‌ی زمانی فلسفه‌گرایی را رها کرده و در مقام حکیمی ژرفاندیش با رأفت و متانت خاص و دلنشینی که حاکی از رسیدن وی به آرامشی درونی است، به مردم سرزمینش هنر چگونه زیستن را می‌آموزد.

گویند، پس از سالها دوری از وطن به آغوش آنان بازگشته تا آنچه را آموخته عاشقانه به آنها هدیه کند و سرانجام با اندوهی که سراسر درجه‌ی او را فراگرفته است و بار تنهایی‌ای که بر دوشش سنگینی می‌کند، بر دیگر آنها را تک می‌نماید و بشارت می‌دهد که اگر احساس کند مطلبی در ذهنش باقی مانده است که می‌تواند راهگشای زندگی‌شان باشد، باز خواهد داشت. ناگفته‌ها را بازگوید و بدین ترتیب وظیفه‌اش را به انجام برساند. این جبران این گونه باغ پیامبر را به پایان برد، زیرا مصمم بود در ادامه‌ی این «مرگ پیامبر» را بنگارد، اما افسوس که خیلی زود چهره در نقاب خاک کشید. مرگش نقطه‌ی پایانی بر داستان پیامبر گذاشت.

پس بیایید برای جبران خلیل جبران که «عاشق زیست و عشقش را در آثارش با تمام وجود به همگان هدیه نمود، آرزوی فقر کنیم و ما نیز از پیامبراش هنر عشق ورزیدن و نیکو زیستن را بیاموزیم.

مرضیه صادقی زاده پاییز ۱۳۸۰